

انتشار تصاویر خصوصی در پی اختلافات خانوادگی

متهمی که با ایجاد چندین صفحه جعلی اینستاگرام، تصاویر خصوصی یکی از بستگانش را منتشر می‌کرد، از سوی پلیس فتا دستگیر شد.

چندی پیش زن جوانی به پلیس فتای پایتخت مراجعه کرد. او مدعی شد فردی ناشناس در فضای مجازی اقدام به انتشار تصاویر خصوصی اش کرده است. همین مسأله باعث برهم زدن آرامش روانی او و خانواده اش و هتک حیثیتش شده است.

شاکی در ادامه اظهاراتش گفت: «مدتی قبل شخصی ناشناس در فضای مجازی با عناوین مختلف برای من مزاحمت ایجاد کرد. او من را تهدید می‌کرد که همه تصاویر خصوصی ام را در فضای مجازی منتشر می‌کند. من اهمیتی ندادم تا اینکه متوجه شدم تعدادی صفحه جعلی با نام و شماره تلفنم در اینستاگرام ایجاد شده است. در این پیج‌ها تصاویر خصوصی ام منتشر می‌شد. همین موضوع موجب برهم زدن آرامش و آبروی خانوادگی ام شده است.»

با اعلام این شکایت بلافاصله افسران سایبری پلیس فتای پایتخت اقدامات خود را آغاز کردند. آنها پس از مطالعه اظهارات شاکی و بررسی همه جوانب پرونده با بهره‌گیری از روش‌های علمی و فنی موفق شدند رد پای مجرم را در فضای مجازی شناسایی کنند.

کارشناسان پلیس فتا با استفاده از تجارب سایبری و تحقیقات گسترده در فضای مجازی ضمن به دست آوردن اطلاعات هویتی متهم پس از تشریفات قضائی، مجرم را که از بستگان شاکی نیز بود در یکی از مناطق جنوبی تهران بزرگ دستگیر و به همراه ادله دیجیتال به پلیس فتا منتقل کردند.

همراه تیمی از قضات اجرای احکام و کمیته صلح و سازش که سابقه طولانی در رضایت‌گیری برای پرونده‌های مختلف قتل دارند، وارد سالن جلسات زندان رجایی شهر شدند. در ابتدای حضور قاضی شهرداری در این اتاق، او و دیگر اعضای کمیته صلح و سازش همه تلاش خود را برای کسب رضایت خانواده شکور انجام دادند که این تلاش‌ها با هم به نتیجه‌ای نرسید و اولیای دم بر اجرای حق قانونی و شرعی خود اصرار داشتند.

در این جلسه، علاوه بر تلاش افراد باسابقه در گرفتن رضایت برای پرونده‌های قصاص به خانواده عبدالعالی نیز فرصت داده شد تا برای گرفتن رضایت با خانواده شکور دیدار داشته باشند. در انتهای جلسه قاضی شهرداری یک بار دیگر از خانواده شکور درخواست کرد در فضایی آرام و به دور از حضور افراد برای سرنوشت پرونده قتل دخترشان تصمیم‌گیری کنند. پیش از اعزام آرمین عبدالعالی به سالن اجرای حکم، خدام حرم مطهر امام رضاع (نیز با همراه داشتن پرچم متبرک گنبد حضرت امام رضاع)، ملاقاتی با خانواده شکور داشتند، اما تلاش‌های آنها نیز برای گرفتن رضایت بی‌نتیجه ماند و آرمین عبدالعالی علی‌رغم همه تلاش‌های صورت‌گرفته در طول هشت سال گذشته به سمت سالن اجرای حکم رفت.

دستگیری زورگیرانی که مالباختگان را زخمی می‌کردند

دو سارق حرفه‌ای که پس از سرقت موتورسیکلت شهروندان اقدام به زورگیری کرده و اموال باارزش آنها را می‌ربودند، از سوی پلیس پایتخت دستگیر شدند.

چندی پیش شهروندی با مراجعه به کلانتری ۱۱۲ ابوسعید اعلام کرد که موتورسیکلتش را از داخل پارکینگ خانه به سرقت برده‌اند. با ارجاع پرونده به پایگاه هشتم پلیس آگاهی، کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت و سایط نقلیه به محل سرقت مراجعه کردند. آنها با بررسی و پایش صحنه جرم، سرنخ و ردپایی از سارقان به دست آوردند.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات، هویت یکی از سارقان به نام «احمد» را شناسایی کردند. پس از هماهنگی‌های قضائی متهم دستگیر شد و در بازجویی‌ها به ارتکاب سرقت با همدستی افرادی به نام‌های «ارسلان» و «اصغر» اعتراف کرد.

با دستگیری «احمد» و اعتراف او به سرقت و همچنین لو دادن هویت همدستانش کارآگاهان در عملیاتی دیگر موفق به دستگیری ارسلان شدند. ضمن اعتراف به مشارکت در سرقت موتورسیکلت، در بازجویی بدنی از او یک تلفن همراه کشف شد. در ادامه مشخص شد، این گوشی دارای سابقه سرقت است.

بلافاصله شاکی شناسایی، دعوت و در مواجهه حضوری با شناسایی ارسلان به عنوان یکی از سارقان زورگیر، گفت: «اوایل شهریورماه سال جاری در محدوده شهرری مورد زورگیری قرار گرفتم. سارقان با استفاده از سلاح سرد و زخمی کردن، سه گوشی تلفن همراهم را سرقت کردند.»

سرهنگ علی عزیزخانی، رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی پایتخت گفت: «پس از دستگیری متهمان، همچنان تحقیقات تکمیلی برای شناسایی مالباختگان و دستگیری سایر همدستان، ادامه دارد.»



گفت‌وگوی «شهرود» با ۲ خانواده قاتل و مقتول پرونده جنجالی پس از اعدام آرمین

پدر غزاله: به آرامش رسیدیم

مریم رضاخواه هشت سال انتظار کشیدند؛ یک خانواده در انتظار بخشش و دیگری در انتظار اعدام. انتظاری که بامداد چهارشنبه سوم آذر ماه به پایان رسید. حالا هر دو خانواده داغدارند. داغ غزاله بعد هشت سال پاک نشده بود که داغ آرمین عبدالعالی هم به آن اضافه شد. آرمین عبدالعالی، پسر جوانی که در ۱۸ سالگی دختر مورد علاقه اش غزاله شکور را به قتل رسانده بود، در میان بهت و حیرت خانواده اش در زندان رجایی شهر کرج قصاص شد. او پیش از این پنج بار به سویت انفرادی انتقال یافت و با تعویق حکم به بند برگشته بود. اما این بار فرق داشت. ساعت از نیمه شب چهارشنبه گذشته بود، که پدر و آرمین اطلاع پیدا کردند پسرشان برای بار ششم به پای چوبه دار خواهد رفت. با تردید خود را به زندان رساندند. جایی که خانواده غزاله هم حضور داشتند. در دل یکی امید نقش بسته بود، اما خواسته خانواده غزاله که بارها هم تکرار کرده بود، تنها اعدام خودنمایی می‌کرد. در آن بامداد سیاه هر دو خانواده تردید داشتند که این حکم اجرا خواهد شد یا نه. از آخرین ملاقات خبری نبود. خانواده آرمین پیش از اعدام آخرین صحبت‌های پسرشان را شنیدند تنها التماس‌های او را دیدند که پیش از مرگ فریاد می‌زد.

...چقدر امیدوار بود

پدر آرمین بغضی در میان کلماتش نقش بسته است، می‌خواهد اشک‌هایش را پنهان کند. اما مادر اشک روی اشک می‌ریزد. هنوز صحنه مرگ پسرشان در پس چشمانشان رژه می‌رود. هنوز ساعتی نیست که جسد پسرشان را تحویل گرفته‌اند. «نیمه شب بود که با ما تماس گرفتند و در جریان اجرای حکم قرار گرفتیم. قرار نبود آرمین اعدام شود. ما حتی نتوانستیم او را پیش از قصاص ملاقات کنیم. حرف آخرش را نشنیدیم. دوباره جلسه صلح و سازش برگزار شد، اما هرچه التماس کردیم و ضجه زدیم، فایده‌ای نداشت. تصور نمی‌کردیم او قصاص شود، امید داشتیم. پسرم ۶ بار مرگ را تجربه کرد تا چون مرگ شد.»

پدر آرمین به سختی کلمات را پشت سرهم ادا می‌کند: «آرمین برادرش را ندیده بود. شنیدم که قبل از اجرای حکم گفته بود اجازه بدهید برادرم را ببینم که این خواسته اش انجام نشد.»

او با ضجه و التماس می‌گوید: «پسرم تا آخرین لحظه زندگی اش درس خواند. به مردم بگوید او چقدر دلش می‌خواست به هموعان خود کمک کند. چقدر امیدوار بود، ولی آرمین دیگر بر نمی‌گردد.»

صحبت‌های پدر غزاله پس از اجرای حکم قصاص

«ما نماینده غزاله بودیم. او تا وقتی زنده بود، حقش را می‌گرفت. من و همسر هم به نمایندگی دخترمان در همه این سال‌ها دنبال حق غزاله بودیم.» این را پدر غزاله به «شهرود» می‌گوید. پدری که در این هشت سال دغدغه اش احقاق حق بود و می‌خواست خون دخترش پایمال نشود.

«با وجودی که قاتل به انفرادی رفته بود، اما اصلا تصور

نمی‌کردیم که صد درصد اعدام بشود، چرا که در این مدت هم او را به انفرادی برده بودند و هر بار به دلیلی اعدام متوقف شده بود. این در حالی بود که اجرای حکم این بار نه کنسل شده بود، نه از اجرائش مطمئن بودیم. ساعت دوازده و یک شب بود که به خانواده قاتل خبر دادند و ما هم متوجه شدیم. وقتی پشت در زندان رسیدیم خانواده قاتل را دیدیم. داخل زندان دوباره جلسه صلح و سازش برگزار شد. آقای شهرداری سرپرست دادسرای جنایی هم حضور داشتند. خانواده قاتل هم بخشش می‌خواستند، اما ما تنها حق مان را می‌خواستیم. هشت سال بود که آرامش نداشتیم. اما آرمین عمدا جان دخترمان را گرفت و باید مجازات می‌شد. راهی برای ما نگذاشته بود، حتی در این مدت هم حقایق را به طور کامل نگفت. اینکه حتی ندانی جسد دخترت کجاست، خیلی سخت است.»

«ماه‌هاست سال دست و پا زدم تا حق مان را بگیریم. خیلی دوندگی کردیم تا خون دخترمان پایمال نشود. در این مدت هم خانواده قاتل تلاش کردند تا مانع اجرای حکم شوند. واسطه‌های زیادی پیش ما آمدند تا رضایت بگیرند، اما با وجود پنهان‌کاری‌هایی که قاتل در کلامش داشت، ما را به اجرای حکم ترغیب می‌کرد. وقتی حکم اجرا شد، آرامش گرفتیم. همسر که از سوله بیرون آمد، آهی کشید و گفت سبک شدم، باری از روی دوش مان برداشته شد. از دست دادن دخترمان یک طرف و هیاهویی که برای رضایت به راه افتاد یک طرف. همه داغ ما را فراموش کردند. اما ما به حق مان رسیدیم.»

پیش از اجرای حکم

از روز سه‌شنبه نیز تلاش‌های مجدد دادستانی تهران، کمیته صلح و سازش و برخی مقامات قضائی دیگر برای متقاعد کردن خانواده شکور به منظور گذشت از اجرای حکم قصاص قاتل فرزندشان، مجددا شدت گرفته بود تا اینکه بر اساس قانون هر دو خانواده برای اجرای حکم به زندان رجایی شهر دعوت شدند.

این تلاش‌ها تا جایی ادامه داشت که قاضی محمد شهرداری سرپرست دادسرای جنایی از ساعت چهار صبح به

